

ترجمه‌ای گزینشی از تفسیری پژوهشی

(سیری در تفسیر ابتکاری مجد البیان و نقدی بر ترجمه فارسی آن)

نوشته محمود هدایت‌افزا^۱

چکیده

مجد البیان فی تفسیر القرآن اثری عمیق به قلم علامه محمدحسین نجفی اصفهانی است. این تفسیر که به زبان عربی نگاشته شده، به دلیل وفات زودهنگام مصنف آن، تنها شامل شرح آیات سوره حمد و بیست و دو آیه اول سوره بقره است. البته مصنف پیش از ورود به تفسیر آیات، تمهیدات دوازده‌گانه‌ای را با الهام از دیباچه تفسیر صافی بیان داشته است. در این تمهیدات، بیانات علمی، تحقیقات حکمی، نکات عرفانی، آرای خلاف مشهور و ایده‌های ابتکاری ویژه‌ای ملاحظه می‌شود؛ اما متأسفانه در دو نهاد علمی حوزه و دانشگاه، توجه چندانی به این تفسیر شریف نشده است. نیز علاوه بر عدم دسترسی آسان به متن اصلی، ترجمه‌ای گزینشی از این تفسیر در دهه ۹۰ منتشر گردید. از قضا این حذفیات ناظر به برخی تحقیقات و آرای خاصی است که جهات تمایز تفسیر مجد البیان از آثار معاصران را شامل می‌شود. از آنجا که عملکرد مترجم فارسی‌زبان این تفسیر - که هیچ توضیحی نیز درباره رفتار غیرعلمی خود بیان نداشته - اهمیت آن را نزد مخاطبان بی‌اطلاع از متن اصلی بسی زائل می‌کند؛ نوشتار پیش رو ضمن معرفی اجمالی این اثر قرآنی و مصنف فقید آن، می‌کوشد تا ابتدا برخی نکات معرفتی و تحقیقی موجود در این تفسیر، همچون ثقل اکبر بودن اهل بیت، ارتباط آیات قرآنی با صاحبان ولایت مطلقه و دیدگاه مصنف در مسئله تحریف قرآن را برجسته نماید و در پی آن به بررسی حذفیات این تفسیر در برگردان فارسی و گمانه‌زنی درباره علت این رویکرد نامناسب و غیرعلمی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: محمدحسین نجفی اصفهانی، مجد البیان، ثقل اکبر، ولایت مطلقه، تحریف قرآن

۱. مقدمه و طرح مسأله

شکّی نیست که در میان علوم دینی، مهم‌ترین و عمیق‌ترین آنها تفسیر قرآن است. اهمّیت این امر نه تنها در برخی آیات قرآنی و کلمات خاندان عصمت بیان شده، بلکه از حیث تجربی نیز، منازعات عالمان و اندیشه‌مندان فرق اسلامی در طول چهارده قرن گذشته، خود گواه روشنی بر آن است. در خود قرآن می‌خوانیم: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعۀ: ۷۹)، یعنی جز پاک‌شدگان - که تفسیر به معصومین شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۲۶/۵) - کس دیگری حاقّ قرآن را در نمی‌یابد. امام باقر (ع) نیز در ضمن حدیثی به صحابی مکرم و اهل سرّ خویش می‌فرماید:

چیزی دورتر از عقول مردمان از تفسیر قرآن نیست! همانا آیه‌ای، اوّلش در موضوعی، وسط آن در موضوعی دیگر و آخرش در موضوع سوّمی است؛ اما در عین حال، کلام متّصلی است که بر وجوهی متصرّف می‌شود... (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱۷/۱).

پرواضح است که این گونه آیات و روایات، حکایت از ثقات معنای قرآن دارند و اینکه به صرف کسب علوم اکتسابی و رسمی، فهم واقع این کتاب میسر نمی‌شود و مفسّر قرآن برای فهم صحیح این کتاب، ناگزیر از همراهی با پاک‌شدگان است. جالب آنکه در ادامه حدیث یادشده، امام باقر (ع) آیه تطهیر را مطرح می‌دارند.^۱ نکته مهم‌تر آنکه، فهم احادیث و کشف وجه ارتباط آنها با آیات قرآن نیز، به صرف تحصیل علوم رسمی و مطالعات گسترده امکان‌پذیر نیست، بلکه کسب این مهم نیز، گونه‌ای ارتباط معنوی و روحی با اهل بیت رسالت می‌طلبد که آن، خود محتاج ایمان و معرفت به ذوات مقدّسه معصومان و پیشوایان تقوا است تا سنخیتی خاص و محصلّ میان طالب و مطلوب برقرار شود.

۱. متن کامل حدیث مورد نظر چنین است: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، إِنَّ آيَةَ يَنْزِلُ أَوَّلُهَا فِي شَيْءٍ وَأَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ وَآخِرُهَا فِي شَيْءٍ، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» مِنْ مِيلَادِ الْجَاهِلِيَّةِ (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱۷/۱).

بر این اساس، همواره در میان عالمان امامیه، افرادی هر چند اندک و مجهول‌القدر پس از تحصیل علوم رسمی تلاش کردند تا با تزکیه و سیر و سلوک شرعی، برخی حجب میان خود و اهل بیت عصمت را مرتفع نموده، با بهره‌گیری از افاضات خاندان کرم به حقایق از این کتاب الهی ملهم شوند؛ حقایقی که در مقام ارائه و تبیین آن برای محجوبین، با کنار هم نهادن آیات و روایات قابل تبیین باشد.

آری، *مجد البیان فی تفسیر القرآن*، از جمله تفاسیری است که نه به صرف مطالعات و تحقیق، بلکه به پشتوانه همّت معنوی و تالّه ربّانی نگاشته شده است. اما در طول یک قرن اخیر، بیش از آنکه مورد توجّه و مباحثه قرار گیرد، بدان بی‌اعتنایی شده است و گاه برخی جاهلان معاصر اعم از قاصر و مقصر، مصنّف عظیم الشان آن را به غالی‌گری متهم کردند. دست آخر ترجمه‌ای همراه با حذفیات هدف‌مند از این تفسیر به چاپ رسید که به گونه‌ای برخی اندیشه‌های ابتکاری و آرای محققانّه مصنّف *مجد البیان* را پنهان می‌کند. اوراق پیش‌رو عهده‌دار معرفّی اجمالی این تفسیر پژوهشی و نقد ترجمه گزینشی از آن است.

۲. احوالات شخصی صاحب *مجد البیان* از تولّد تا وفات

مصنّف این اثر وزین، علّامه فقیّد، سالک بارع و اندیشه‌مند متألّه، حاج شیخ محمدحسین نجفی اصفهانی است. این عالم ربّانی که از بزرگان عالمان امامیه در اواخر قرن سیزدهم و سنوات از قرن چهاردهم (۱۲۶۶-۱۳۰۸ق) به شمار می‌آید، نام و شهرتش، شباهت قابل توجّهی با نام و نسب فقیه و حکیم توانا شیخ محمدحسین غروی اصفهانی، ملقب به کمپانی (۱۲۹۸-۱۳۶۱ق) دارد؛ اما در عین حال به جز هم‌شهری بودن، نسبت خاصی بین این دو بزرگوار متصوّر نیست و محقّق کمپانی به هنگام وفات صاحب *مجد البیان*، ده ساله بوده است. ظاهراً به دلیل پیش‌گیری از چنین خلط‌هایی، برخی حوزویان از مصنّف مزبور به «شیخ محمدحسین صاحب تفسیر» یاد می‌کردند.

باری، مصنّف *مجد البیان* در خانواده‌ای مذهبی با پیشینه علمایی، در اصفهان متولّد گردیده، پدر وی شیخ محمدباقر اصفهانی و جدّ او شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی صاحب

هدایه المسترشدين است. والده ماجده وی نیز صبیّه مرحوم سید صدرالدین عاملی است. محمدحسین پیش از رسیدن به سن بلوغ و در همان زادگاه خود، علوم مقدّماتی نظیر صرف و نحو و بیان را به تمامه آموخت و سپس نزد پدرش، به تحصیل فقه و اصول پرداخت. آنگاه به منظور تحصیلات تکمیلی عازم نجف اشرف گردید و در آنجا با بهره‌گیری از محضر عالمان بزرگی همچون حاج میرزا حبیب‌الله رشتی، شیخ راضی نجفی و میرزا حسن شیرازی؛ فقهی جامع و محقق گردید. او همچنین در همان شهر نجف، دروس فلسفه و کلام را از محضر میرزا باقر شکی تلمذ نمود و در سال ۱۲۹۶ق به زادگاه خود بازگشت (نور الله نجفی، ۱۴۰۸ق: ۱۰-۱۲؛ ۱۳۶۷: ۲۰۴-۲۰۶).

وی در اصفهان، حدود سه سال به تدریس علوم دینی و تربیت طلبّاب پرداخت و در همین ایام، به اقامه جماعت، موعظه و ارشاد مردمان با بیان دل‌نشین مشغول بود تا آنکه در سال ۱۲۹۹ق. به سفر حج رفت، اما پس از مراجعت به وطن، به ناگاه بر اثر بارقه‌ای ملکوتی از همه مناصب به ظاهر شرعی دست کشید و به سیر و سلوک معنوی و تهذیب نفس روی آورد. این دوران در شهر اصفهان، سه سال به طول انجامید (مجدالدین نجفی، ۱۳۸۳: ۶۰۵). شیخ محمدحسین، خود درباره بروز آن حالت انقطاع، به برادر کوچک‌ترش شیخ محمدعلی چنین گفته است: در ایام اشتغال به امامت جماعت در شهر اصفهان، وسوسه‌ای شیطانی به دلم راه یافت که برای رهایی از آن و تحصیل خلوص نیت که رکن اساسی نماز است، هر روز قبل از رفتن به مسجد، یکی دو ساعت درباره فریبندگی دنیا و نعمت‌ها و لذت‌های زودگذر آن با خود می‌اندیشیدم و در قبال آن امور، متذکر جاودانگی آخرت و راه‌های رستگاری و حُسن عاقبت می‌شدم. همه اینها ابتدا به قصد رهایی از ریا و انجام عملی خالصانه بود اما در ادامه، اثر آن ساعات تفکر، چنان در دلم تأثیر گذارد که یک‌باره از غیر خدا، روی گردان و با تمام وجود، متوجّه معبود ازلی شدم. به هر مقامی رسیدم از برکت همان ساعات تفکر بود. آری، حقیقت این کلام بر من روشن گردید که چرا فرموده‌اند: «یک ساعت تفکر بهتر از یک سال عبادت است» (نور الله نجفی، ۱۴۰۸ق: ۱۴؛ ۱۳۶۷: ۲۰۸-۲۰۹).

سرانجام در اثر این حالات معنوی و تفکرات عمیق، شیخ محمدحسین اصفهانی را ترک کرد و در سال ۱۳۰۳ق. به همراه برادرش حاج آقا نور الله رهسپار نجف اشرف شد. او در مجاورت بارگاه ملکوتی امیرالمؤمنین (ع)، به سیر و سلوک معنوی خود آهنگ ویژه‌ای بخشید. وی اغلب جامه‌های زبر به تن می‌کرد، شام و ناهارش را بین فقیران و یتیمان، تقسیم و خود به غذای اندکی بسنده می‌نمود، در قبال حوادث سخت روزگار و گرفتاری‌ها، فردی بردبار و شکرگزار بود، واجد متانت و بزرگواری خاصی بود، قامتی متوسط و بدنی استخوانی و چشمانی نافذ داشت (مجدالدین نجفی، ۱۳۸۳: ۶۰۶).

به گفته نبیره ایشان در کتاب *قبیله عالمان دین*، ظاهراً شیخ محمدحسین اصفهانی در این دوران، استاد خاصی در طریق سیر و سلوک نداشت و طی این مرحله بی‌همرهی خضر می‌نمود؛ اما در عین حال از حدود و ضوابط شریعت بیرون نرفت. به لحاظ اشتغال علمی نیز، او برای فرزند، برادر، برادرزاده و شاید عده‌ای دیگر، یک درس خصوصی می‌گفته؛ مهم‌تر آنکه، وی در همین ایام به تصنیف تفسیر شریف *مجدالبیان* مشغول بوده است (هادی نجفی، ۱۳۸۱: ۶۸). همچنین در این سلوک معنوی، مکاشفات و کرامت‌های متعددی از این سالک مجذوب هویدا شد که به گواهی عالمان مرتبط با وی، در برخی تراجم نقل گردیده است (همان: ۶۹-۷۲).

سرانجام بر اثر افراط در ریاضات و عبادت‌ها و اوراد طاقت‌فرسا، اعتدال مزاج آن متألّه بارع دچار اختلال می‌شود و در آغاز محرم سال ۱۳۰۸ق، روح بلندپایه این نفس زکیه، کالبد جسمانی و رنجور خویش را رها و با تسلیم جان عاریت به دوست، از عالم خاکی به ملکوت برین نقل مکان می‌کند. قبر او در صحن مطهر حضرت امیر (ع)، در مقبره جدّ مادری اش سید صدرالدین عاملی است (مجدالدین نجفی، ۱۳۸۳: ۶۰۷).

۳. بخش‌های تفسیر *مجدالبیان*

این تفسیر که به زبان عربی نگارش یافته، به دلیل وفات زودهنگام مصنف آن، صرفاً سوره حمد و بیست و دو آیه اول سوره بقره را شامل می‌شود. البته مفسر عالی مقام پیش از شروع به تفسیر آیات و پس از پیش گفتار کتاب - به سبک فیض کاشانی در تفسیر صافی (۱۴۱۵ق:

۷۸-۱۵) - بحث مبسوطی در قالب دوازده مقدمه درباره قرآن و عترت و مسائلی که امروزه از آن به «علوم قرآنی» یاد می‌شود؛ با نظم و ترتیب و محتوایی معرفت‌بخش افاده نموده است. چه بسا بیشتر این مباحث در آثار برخی بزرگان متقدم بر صاحب این تفسیر نیز یافت شود، اما کنار یکدیگر قرار گرفتن همه این مطالب، با بیان موجز و متقن، ارزیابی‌های علمی، شجاعت در بیان مطالب خلاف مشهور و طرح ایده‌های اختصاصی، مجد البیان را در نوع خود کم‌نظیر، بلکه از جهاتی بی‌نظیر ساخته است.

۳-۱. پیشگفتار مصنف مجد البیان

پیشگفتار این تفسیر حاوی مطالبی درباره اهمیت قرآن، ضرورت اعتصام به آن و انگیزه مصنف از نگارش تفسیر می‌باشد. محصل سخنان مصنف در خصوص کتاب الهی، آن است که: قرآن، شفای دردهای بنیادین انسان‌ها، یعنی کفر و نفاق و ضلالت است، ظاهر آیات آن، زیبا و شگفت‌انگیز و باطن هر آیه، بسی ژرف و بی‌پایان است. قرآن شفاعت‌گر مورد قبول خداوند و گزارشگر مورد تأیید اوست (محمدحسین نجفی، ۱۴۰۸ق: ۲).

مصنف همچنین درباره اعتصام به قرآن می‌گوید: ما موظف به درمان دردهای خود توسط قرآن، استعانت از آن در شدائد و سختی‌ها و دلالت بر خداوند از طریق آن هستیم (همان: ۲). اما درباره انگیزه تصنیف تفسیر مجد البیان می‌خوانیم: از مدت‌ها پیش آرزو داشتم که تفسیری تألیف کنم که حاوی ظواهر آیات قرآن و توصیه‌ها و آموزه‌ها و دانش‌های مورد بحث در قرآن و برخی نکته‌های باطنی آیات باشد؛ نیز احادیث تفسیری ناظر به هر آیه به لحاظ واژگان، همراه با شرح نحوه تطبیق آنها بر آیات و رفع تعارضات ظاهری و استخراج مفاهیم کلی را شامل شود تا اثری جامع علوم کتاب و سنت حاصل گردد؛ همان چیزی که بر پایه حدیث ثقلین، مأمور به تمسک بدان‌ها هستیم؛ زیرا تاکنون تفسیری جامع این امور ندیده‌ام (همان: ۳).

آری، نه تنها تا دوران حیات مصنف مجد البیان، بلکه تاکنون نیز تفسیری با ویژگی‌های یادشده تألیف نشده است. محمدحسین اصفهانی نیز - بنابر گفته خود - مدت‌ها از اقدام به این کار بیمناک بود تا مبادا در تفسیر کلام الهی، از روی هوای نفس خود و رأی شخصی سخن

بگوید. او در نهایت تصمیم می‌گیرد ابتدا مطالب تفسیری خود را برای برخی جویندگان علم و دانش مطرح کند و پس از نقد و بررسی مطالب، آنها را تحریر نماید، بدان امید که کاستی‌ها و نواقص آن به حداقل ممکن برسد.

با این همه، مصنف گرامی هیچ ادعای گزافی درباره مطالب و نقطه نظرات خود در تفسیر آیات ندارد. او با فروتنی تمام می‌نویسد: من درستی گفته‌های خود را تضمین نمی‌کنم و در این باره ادعایی ندارم؛ زیرا محتوای آیات و حقایق کلمات خداوند متعال و بیانات اولیای معصوم او، بسی فراتر از عقل‌های ناقص و مبتلا به وسوسه‌های شیطانی ما است (همان: ۳-۴).

۳-۲. تمهیدات دوازده‌گانه مصنف مجد البیان

برخی مفسران از دیرباز پیش از ورود به تفسیر آیات قرآن، کلیاتی را در باب کتاب الهی و امور متعلق بدان مطرح می‌داشتند که امروزه از آن مباحث، تحت عنوان «علوم قرآنی» یاد می‌شود. نمونه مهم این رویکرد، عملکرد فیض کاشانی در ابتدای تفسیر صافی است. فیض در آنجا مطالب متنوعی را با تکیه بر آیات و بیشتر روایات، در قالب دوازده مقدمه با عناوین مستقل بیان می‌دارد.

از قضا در مجد البیان نیز، عناوین همان تمهیدات دوازده‌گانه مورد استقبال قرار گرفته است، الا اینکه مصنف مجد البیان در کلمات هر عنوان، قدری تصرف و آن را تکمیل‌تر نموده و در ذیل هر عنوان، علاوه بر نقل بیشتر سخنان فیض، مطالب تحقیقی و نکات علمی نوینی نیز افاده کرده است. به یقین باید اذعان داشت که محتوای این تمهیدات، شاخص اصلی این تفسیر محسوب می‌شود و اهمیت این اثر و مقامات علمی مصنف اندیشه‌مند آن، در گرو فهم و بررسی محتوای آن تمهیدات است.

موضوعات مورد بحث در این دوازده تمهید عبارتند از:

۱. فضل قرآن و توصیه به تمسک به آن (محمدحسین نجفی، ۱۴۰۸ق: ۷-۲۹).
۲. ممنوعیت تفسیر به رأی و لزوم تفسیر بر پایه روایات اهل بیت (همان: ۳۰-۵۷).
۳. همه علم قرآن، نزد امامان معصوم است (همان: ۵۸-۶۱).

۴. تنزیل و تأویل، ظهر و بطن، حدّ و مطلع، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و ... (همان: ۸۷-۶۲).

۵. تقسیمات کلی آیات قرآن (همان: ۹۸-۸۸).

۶. قرآن بیان گر همه چیز است (همان: ۹۹-۱۰۳).

۷. نحوه جمع آوری قرآن، تحریف و زیادت آن (همان: ۱۰۴-۱۳۸).

۸. بحثی درباره نزول قرآن بر هفت حرف (همان: ۱۳۹-۱۴۶).

۹. زمان نزول قرآن و آنچه بدان مربوط است (همان: ۱۴۷-۱۵۲).

۱۰. تجسّم قرآن در قیامت، شفاعت قرآن، معاتبه سور قرآنی با تارکان آن و ثواب حفظ نمودن قرآن (همان: ۱۵۳-۱۷۵).

۱۱. آداب ظاهری و باطنی تلاوت قرآن (همان: ۱۷۶-۲۰۵).

۱۲. روش ها، منابع و اصطلاحات موجود در تفسیر پیش رو (همان: ۲۰۶-۲۰۸).

فهرست یادشده به نحو فی الجمله، کلیات مباحث مطروحه در این مقدّمات دوازده گانه را با لحاظ کمیت مطالب هر مقدمه مشخص می کند. افزون بر این باید دانست که هر تمهید - به جز تمهید دوازدهم - با آیات و روایات شروع می شود و علامه فقید به تناسب مطالب هر تمهید، بحث های لغوی، منطقی، اصولی (اصول فقه)، کلامی، فلسفی و عرفانی خاصی را بیان می دارد. در هر یک از یازده تمهید اول، دست کم چند مطلب عمیق یافت می شود که بر جامعیت علمی مصنف از حیث عقل و نقل، تتبعات فراوان مصنف در کتب حدیث، تأملات ژرف وی در علوم قرآنی دلالت دارد؛ همچنین رویکرد وی در استنتاج پایانی هر مطلب، مبرهن استقلال فکری اوست.

در مجموع، تمهید اول به لحاظ معرفتی بر سایر تمهیدات اولویت دارد و در همان ابتدای بحث، درباره ی نسبت میان ثقلین، شاکله ی معرفتی و ویژه ای برای اهل بینش ترسیم می نماید. پس از آن، تمهید پنجم از حیث غنای معرفتی، برتر از سایر مقدّمات محسوب می شود. این تمهید، حاوی مطالب بلند و والایی در باب مقام ولایت مطلقه چهارده معصوم است و به لحاظ ارتباط محتوایی و وثیق با تمهید اول، شایسته بود که پس از آن تمهید ارائه می شد.

محتوای تمهید هفتم نیز به لحاظ تبّعات تاریخی، روایات ناظر به گردآوری قرآن و استقلال فکری مصنّف درباره مصحف در دسترس، بسی چشم‌نواز است. در این وجیزه، به دلیل ضیق نوشتار، تنها سه نکته معرفت‌بخش از سه تمهید یادشده، برجسته می‌شود.

۳-۲-۱. اهل بیت علیهم‌السلام، ثقل اکبر

صاحب مجد البیان در تمهید اوّل، در مقام بیان تمسّک به قرآن، به حدیث ثقلین نیز اشاره شایان توجّهی می‌کند. نقل وی که از خطبه رسول خدا (ص) در حجّة الوداع، در مسجد خیف گزیده شده است و مصنّف آن را به تفسیر قمی ارجاع داده، واجد خصوصیت ویژه‌ای است؛ چه در صدر حدیث آمده: «قرآن ثقل اکبر است»، ولی در ذیل آن - با تصریح روشن و تأکید - سخن از هم‌سانی این دو امانت شده است:

ألا وإني سائلكم عن الثقلين؟ قالوا: يا رسول الله و ما الثقلان؟ قال: كتاب الله الثقل الأكبر طرف بيد الله و طرف بأيديكم فتمسكوا به لن تضلّوا ولن تزولوا و الثقل الأصغر عترتي اهل بيتي، فإنه قد نبأني اللطيف الخبير أنّهما لن يفترقا حتّى يردا على الحوض كإصبعي هاتين - و جمع بين سيّأتيه - و لأقول كهاتين - و جمع بين سيّأته و الوسطى - ففضل هذه على هذه (محمّدحسين نجفی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۱۷، قمی، ۱۳۶۳: ۴۳/۱).

چنانکه مصنّف محترم در ذیل این حدیث بیان داشته، حدیث ثقلین به نحو متواتر و با انحاء گونه‌گونی در کتب فریقین نقل شده است. قدر متیقین این نقل‌ها آن است که امت مرحومه، مأمور به تمسّک به قرآن و عترت نبوی می‌باشند؛ اما از جمله محورهای اختلاف در روایات ثقلین، مقایسه بین دو امانت الهی در کلام رسول خدا (ص) است. توضیح مطلب آنکه در بیشتر نقل‌های این حدیث، یا هر دو ثقل وزان یکدیگر دانسته شده است و هیچ تصریحی بر اکبر یا اصغر بودن این دو امانت الهی نشده یا آنکه قرآن، ثقل اکبر و اهل‌بیت، ثقل اصغر خوانده شده‌اند؛ ولی در معدودی از روایات نیز، بر ثقل اکبر بودن عترت و به ویژه امیرالمؤمنین (ع) تصریح شده است (نک: هدایت‌افزا، ۱۳۹۰: ۶۹-۷۳).

اما مصنف مجد البیان در شرح این حدیث - بدون هیچ اشاره‌ای به سایر نقل‌ها - پس از تقسیم کتاب به «صامت» و «ناطق» و تشبیه آنها به دو آینه که نقش هر یک در دیگری منعکس گردیده است؛ می‌گوید: همه معارفی که در قرآن از صفات و اسامی و افعال خداوند تا شناخت حقایق اشیا و معاد تا بیان ویژگی‌های جمادات، گیاهان، حیوانات و انسان‌ها گنجانده شده است؛ همه آنها به وجود علمی در حقیقت وجودی امام (ع) نقش بسته است که آن وجود علمی بسی برتر از وجود کتبی و لفظی قرآن است. بنابراین علم امام (ع) همه معارف لفظی و کتبی قرآن را شامل می‌شود و همان گونه که از الفاظ قرآن می‌توان به معانی کتاب الهی دست یافت، از طریق آگاهی بر علم امام (ع) نیز می‌توان به معانی قرآن، بلکه حقایق آن اشراف پیدا کرد و تمامی آثاری که از قرآن ظاهر می‌شود، در وجود امام (ع) نیز بعینه ظاهر است؛ بلکه آن آثار در عنوان دوم به نحو قوی‌تری حاصل است، چون وجود امام (ع) حامل معانی و حقایق کتاب الهی است ولی قرآن کتبی یا لفظی، کالبد آن معانی و حقایق و به بیانی، حکایت آن امور به شمار می‌آیند (محمدحسین نجفی، ۱۴۰۸ق: ۱۸).

مفسر والامقام در ادامه، دعاوی خود درباره نسبت میان ثقلین را بر آیات شریفه‌ای از قرآن تطبیق می‌کند و با استناد به برخی تعبیر و اصطلاحات قرآنی می‌نویسد: علم الکتاب نزد امام (ع) است و خداوند متعال، همه اشیا را به وجود علمی، در امام مبین گنجانده و همان‌ها را در کتاب خود به وجود لفظی نازل فرموده است. طبعاً وجود امام (ع) از این حیث بسی برتر از الفاظ و کتابت قرآن است. اساساً بدین اعتبار امام (ع) را «کتاب ناطق» خوانده‌اند که خداوند بر صفحه وجود او، به صفات و افعالش تجلی کرده است و حامل معانی همه اشیا گردیده است و وجود لفظی یا کتبی قرآن، «کتاب صامت» و مادون امام (ع) است (همان: ۱۹).

باری، از سخنان یادشده، دقایق علمی و نتایج جالب توجهی قابل استنباط است که مجال طرح آن در این مختصر نیست؛ اما نکته قابل اهمیت آنکه صاحب مجد البیان - بدون استفاده از نقل‌های دیگر حدیث ثقلین - با بیان علمی خویش، از نقلی که ظاهر آن مفید ثقل اکبر بودن قرآن است، افضل بودن حقیقت امام (ع) نسبت به قرآن را استنتاج کرده است. این

گفتار علمی نه تنها در راستای جمع بین اختلاف در نقل‌ها به کار می‌آید، بلکه بعدها الهام‌بخش برخی اهل معرفت در فهم و شرح دقیق‌تر حدیث ثقلین نیز گردید، چنانکه صاحب *انوار الساطعة* با شرح دقیق‌تر دلایل وی و ارائه تقسیماتی روش‌مند، در اثبات ثقل اکبر بودن اهل بیت و دفع برخی ایرادات مقدّر، همت شایانی مصروف داشت. در این اثر پس از لحاظ هریک از ثقلین به حسب ظاهر و باطن، چهار حالت برای مقایسه آن دو طرح شده‌اند و در پایان به اثبات می‌رسد که قرآن به اعتبار باطن آن «ثقل اکبر» خوانده شده است نه ظاهر آن؛ آن باطن نیز، متحد با حقیقت واحده اهل بیت است (کربلائی، ۱۳۷۷: ۱۲۱/۲-۱۳۰).

ناگفته نماند که برخی معاصران به گونه دیگری به این بحث ورود یافته و ضمن ارائه برخی دلایل عقلی در باب فضیلت امیرالمؤمنین (ع) بر قرآن، به حدیث «إني تارك فيكم الثقلين، كتاب الله و علي بن ابي طالب، و علي أفضل لكم من كتاب الله، لأنه مترجم لكم عن كتاب الله»^۱ نیز تمسک جسته‌اند (احقاقی، ۱۳۷۳: ۲۵-۳۳).

۳-۲-۲. ارتباط آیات قرآن با صاحبان ولایت مطلقه

محمدحسین نجفی مقدمه پنجم از تمهیدات دوازده‌گانه کتاب خویش را، به «تقسیم‌بندی آیات قرآن» از حیث محتوا اختصاص داده است. او در ابتدا چندین حدیث مبتنی بر این ایده نقل می‌کند که بخش اعظمی از آیات قرآن به فضائل و مناقب اختصاص دارد و محتوای سایر بخش‌های آن، درباره دوستان و دشمنان حجج الهی، فرائض، احکام، سنت‌ها و ... است؛ اما مصنف پا را فراتر گذاشته، دعوی ارتباط آیات قرآن با ذوات مقدسه چهارده معصوم را به نحو حدّا کثری می‌نماید. از بیانات او نکات ذیل حاصل می‌شود:

۱. میرزا عبدالرسول احقاقی این حدیث را در تفسیر *الثقلین* با اندک اختلاف در کلمات، از کتاب *فضائل ابن‌شاذان* نقل کرده است. اصل این اثر، *مئة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة* نام دارد و این حدیث، منقبت شماره ۸۶ آن کتاب است (ابن‌شاذان، ۱۴۰۷ق: ۱۶۱). ناگفته نماند که حدیث مزبور در دو موضع از مقدمه تفسیر *برهان*، یکی به نقل از خاصه و دیگر، به نقل از عامه روایت شده است (بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۹/۱ و ۶۴).

یک) از آنجا که شیعیان از باقی‌ماندهٔ گِلِ امامان معصوم آفریده شده‌اند، هر فیضی که به شیعه‌ای برسد، در واقع به ایشان رسیده است و هر خیری که به دوستان نسبت داده شود، اصل آن در وجود اهل بیت هست. انبیای پیشین و مؤمنان زمان‌های گذشته نیز از این حکم کلی خارج نیستند؛ چه حقیقت واحدۀ چهارده معصوم، سرآغاز، اصل، فرع، معدن، و مأوای هر خیری هستند و هر کمالی که در فرد ناقص ظاهر شود، فرد کامل نیز به طریق اولی واجد آن است. بر همین سیاق، دشمنان پیامبران و اولیای پیشین نیز، در حقیقت دشمنان این ذوات مقدّسه محسوب می‌شوند.

دو) آیات ناظر به تکالیف و احکام الهی نیز به اهل بیت مربوط می‌شود، زیرا نه تنها ایشان برپادارندهٔ احکام شرع‌اند، بلکه نفس احکام و عبادات، تجلّی حقیقت و رفتار ایشان و باطن این امور، ولایت آنان است.

سه) مراد از سنّت‌ها، احتمالاً شیوه‌ها و قواعد لایتغیر الهی در آغاز آفرینش است، لذا داستان‌ها و اخبار گذشته و آینده، بخش عمدهٔ سنّت‌های خداوندی به شمار می‌رود. این اخبار از آن رو که بیانگر احوال و رفتار مؤمنان و کافران است، به دوستان و دشمنان اهل بیت ارتباط پیدا می‌کند. همچنین مباحث ناظر به معاد و احوالات اهل بهشت و دوزخ نیز تحت مقولهٔ سنن، قابل اندراج است.

چهار) با قبول این نکته که چهارده معصوم، محل‌های معرفت الهی و مظاهر تامّة اسامی و صفات اویند، آیات ناظر به صفات خداوند، اعمّ از صفات ذات و صفات فعل، با مقامات ولایة اللّهی ایشان، ارتباط وثیق دارد (محمدحسین نجفی، ۱۴۰۸ق: ۹۰-۹۱).

با این توصیفات، طبیعی است که مصنّف متأله در ادامهٔ تمهید پنجم و در پی بحث یادشده، نظریهٔ ولایت کلیهٔ الهیهٔ چهارده معصوم و نفی اطلاق آن از سایر حجج الهی را مطرح سازد. این نگاه که در آثار اندیشه‌مندان امامیه و اسماعیلیه، همواره با فراز و نشیب بسیاری توأم بوده است و اغلب نیز به نحو تام درک نشده، از مسلّمات اعتقادی نزد محمدحسین نجفی اصفهانی بود. آثار و نتایج باور به مظهریت تامّة اسامی و صفات الهی، در شراشر این تفسیر و در اکثر تمهیدات دوازده‌گانهٔ آن موج می‌زند. بر پایهٔ چنین اعتقادی، ولایت الهی در ابتدا

به نحو اتمّ و اکمل در حقیقت محمدیه متجلی شده است و هر یک از ذوات مقدّسه چهارده نور پاک، به حسب مقام نورانیت، واجد این ولایت بی حدّ و حصر و لوازم آن اعمّ از علم، قدرت، نفوذ اراده و ... هستند؛ امّا سایر پیامبران و اوصیای ایشان و نیز اولیای غیر معصوم، تنها بخشی از این ولایت را به حسب ظرفیت وجودی خویش دارا بوده‌اند.

محصل سخنان صاحب مجد البیان در این باره آن است که: پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامی وی به حسب حقیقت واحده خویش، مظهر تامّه حروف اسم اعظم الهی هستند (به جز یک حرف که فاقد مظهر است)، حال آنکه پیامبران پیشین، هر یک تنها مظهر چند حرف از آن اسم بوده‌اند؛ از این رو چهارده معصوم بر کافّه موجودات عالم، ولایت مطلقه دارند، ولی سایر حجت‌های الهی، نبوت و ولایت مقیده و محدود به زمان و مکان و افراد خاص داشته‌اند. در مقام تشریح نیز، هر یک از پیامبران پیشین تنها مبلغ بخشی از معارف و احکام نبی مکرم اسلام بودند؛ لذا خداوند از همه ایشان بر قبول نبوت خاتم الانبیاء (ص) پیمان محکم گرفته است و آنان نیز همواره امت خود را به نبوت پیامبر اکرم (ص) بشارت می‌دادند. روایات ناظر به تقدّم آفرینش انوار چهارده معصوم و نیز احادیث مبتنی بر عرضه ولایت آنان بر ارواح پیامبران، دالّ بر ولایت مطلقه ایشان و ولایت مقیده پیامبران و اوصیای پیشین‌اند (محمدحسین نجفی، ۱۴۰۸ق: ۹۲-۹۳).

آری، همین پیشینه فکری صاحب مجد البیان سبب شده است که این تفسیر، رنگ و بوی شیعی خاصی بیابد و در ذیل آیات متعدّدی با مضامین متفاوت، مباحث ولایی با ابتدا بر احادیث معصومین، در قالب برخی تأویلات عرضه شود.

۳-۲-۳. گردآوری و تحریف قرآن

از میان تمهیدات دوازده‌گانه تفسیر مجد البیان، مبسوط‌ترین آنها تمهید هفتم است. محمدحسین نجفی ابتدا احادیثی درباره جمع‌آوری قرآن، مبتنی بر تفاوت میان مصحف امیرالمؤمنین (ع) با مصحف گردآوری شده در عهد خلفای غاصب نقل می‌کند. محتوای این گزارش، بسی تکان‌دهنده است و از برخی حقایق تلخ تاریخ اسلام پرده برمی‌دارد. از جمله بر پایه حدیثی به نقل از ابوذر غفاری می‌خوانیم: حضرت امیر (ع) پس از گردآوری

قرآن، آن را در مسجد به نزد خلیفهٔ اول آورد، اما به دلیل وجود برخی اسامی منافقان، مورد پذیرش ابوبکر قرار نگرفت؛ سپس دستگاه خلافت تصمیم گرفت تا با کمک زید بن ثابت، قرآنی خالی از اسامی منافقان و عملکرد آنها ترتیب دهند؛ اما چون نگران از اظهار کتاب علی (ع) بودند، تصمیم به قتل امام توسط خالد بن ولید می‌گیرند ولی خالد در انجام آن نقشهٔ مذبح‌خانه ناکام می‌ماند (محمدحسین نجفی، ۱۴۰۸ق: ۱۰۴-۱۱۵).

مصنّف در ادامه، به اختلاف عالمان امامیه در «مسألهٔ تحریف قرآن» اشارات مهمّی می‌کند تا جایی که می‌نویسد:

و نسب إلى أكثر الاخباريين أنّه وقع فيه التحريف و الزيادة و النقصان و مال إليه جماعة من الاصوليين؛ كالمحقق القمي (ره) في ظاهر كلماته. و عن السيد المرتضى و الصدوق و الشيخ الطوسي في التبيان و الطبرسي و جمهور المجتهدين عدمه... (محمدحسین نجفی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۱-۱۲۲).

در این متن آمده است که اغلب اخباریون به زیادت و نقصان در قرآن باور دارند و بعضی از اصولیون همچون میرزای قمی نیز بدان ایده تمایل دارند. اما در مقابل آنها، سید مرتضی، شیخ صدوق، شیخ طوسی و طبرسی قائل به عدم تحریف لفظی قرآن بوده‌اند و نظر غالب مجتهدان نیز همین است. نکتهٔ قابل تأمل در اینجا، جملهٔ «و جمهور المجتهدين عدمه» است. امروزه این ادعا مسلم است که اغلب مجتهدان، قائل به عدم تحریف لفظی در قرآن هستند، چنانکه بعضی از آنان، کتاب‌های مستقلّی نیز در این باره نوشته‌اند؛ اما در عصر مصنّف، ظاهراً چنین نبوده است. نمونهٔ بارز آن شیخ مرتضی انصاری مؤلف *فرائد الاصول* است که در همین اثر، همانند میرزای قمی در *قوانین الاصول* (میرزای قمی، ۱۳۷۸ق: ۴۱۶)، تحریف لفظی قرآن را پذیرفته است ولی آن تحریفات را ناظر به آیات امامت و خلافت می‌داند و دست‌کم آیات فقهیه را مستثنا می‌کند (انصاری، ۱۴۱۹ق: ۱/۱۵۸). به هر حال، با وجود شخصیت‌های تأثیرگذاری نظیر میرزای قمی و شیخ انصاری، به سادگی نمی‌توان پذیرفت که قول جمهور مجتهدان در عصر صاحب *مجد البیان*، نفی تحریف لفظی از قرآن بوده است!

باری، مفسّر محقق پس از تبیین اختلاف جدی عالمان امامیه درباره تحریف کتاب الهی، خود به نحو روشمند و استادانه به تحقیق در این مسأله می‌پردازد. او در گام اول، اقسام تحریف و زیادت در قرآن را استیفا می‌کند، سپس به نقد دلایل نافین از تحریف می‌پردازد و دلایل برخی متکلمان مکتب بغداد را در نفی تحریف، ابطال می‌کند. به نظر می‌رسد مصنف در این بحث، بیشتر تحت تأثیر بیانات روشمند فیض کاشانی در مقدمه ششم تفسیر صافی (۱۴۱۵ق: ۵۵-۴۰) قرار دارد. در مرحله سوم، مصنف با استناد به گزارش‌های ناظر به نحوه جمع‌آوری قرآن و نیز برخی روایات مبتنی بر اختلاف قرائات، تحریف فی الجملة کتاب الهی را به اثبات می‌رساند. نتیجه نهایی صاحب‌البیان در پایان این بحث، بدین قرار است:

این احتمال بعید نیست که تعداد قابل توجهی از روایات دالّ بر تحریف آیات قرآنی، ناظر به تحریف معنوی (تفسیر) باشد نه تحریف لفظی و لذا روایات مربوطه، مبین معانی آن آیات باشد نه الفاظ آنها. عدم مطابقت ساختار خاص قرآن با بعضی از این روایات، این ادعا را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ اما جاری نمودن این احتمال بر همه آن روایات و انکار هر گونه تصرف در الفاظ قرآن، ادعای بسیار غریبی است (محمدحسین نجفی، ۱۴۰۸ق: ۱۳۸).

ناگفته نماند که برخی اصولیون متأخر از نجفی اصفهانی نیز، ایده یادشده درباره تحریف لفظی قرآن را در آثار خود مطرح کرده‌اند. از مشهورترین این افراد می‌توان مؤلف کفایه الاصول را نام برد که در مبحث حجیت کتاب الهی، تحریف فی الجملة آن را خاصه در مبحث امامت و ولایت پذیرفته است (آخوند خراسانی، بی‌تا: ۲۸۴-۲۸۵).

۴. سیر بی‌مهری به مجدالبیان تا حذف برخی مطالب علمی در ترجمه آن

ابتدا لازم به توضیح است که تفسیر شیخ محمدحسین اصفهانی تا به حال چهار بار به زیور طبع آراسته شده است. اولین چاپ آن از روی خط مصنف، به همت سید محمدتقی موسوی خوانساری با عنوان تفسیر اصفهانی در سال ۱۳۱۳ق، در تهران منتشر گردید و پس از چهار سال، به انضمام شرح حال صاحب‌البیان، با همان عنوان تجدید چاپ شد. پس از این دو چاپ، ظاهراً حدود یک قرن تفسیر یادشده متروک ماند تا آنکه در سال ۱۴۰۸ق (۱۳۶۶ش)، گروه علمی بنیاد بعثت تحت اشراف آقای محمد پاکتچی، چاپ سوم این کتاب

را با حروف چینی جدید، تصحیح خطاهای موجود در دو چاپ قبلی و ارجاعاتی مفید؛ عهده‌دار شد و نام کتاب را نیز *مجدد البیان فی تفسیر القرآن* نهاد.

پس از این چاپ، موجی از حملات برخی حوزویان اهل ظاهر و گروهی از اصولیون کم‌اطلاع از سیر تدوین و تفسیر قرآن، متوجه این اثر شد. البته نگارنده مکتوب مستدگی در نقد این تفسیر سراغ ندارد، لیکن در برخی محافل حوزوی و جلسات مذهبی اواخر دهه ۶۰ و اوائل دهه ۷۰، از چند منظر به این تفسیر خرده‌گیری می‌شد. از قضا بیشتر انتقادات ناظر به موارد برگزیده در این نوشتار بود: برخی ثقل اکبر دانستن اهل بیت را ایده‌ای غلوآمیز دانستند، گروهی به دلیل سلوک خاص مفسر و تأکید وی بر ولایت مطلقه چهارده معصوم، انگ صوفی‌گری به محمدحسین نجفی اصفهانی زدند و عده‌ای آرای مفسر محقق را در باب تحریف قرآن، ناشی از گرایش وی به اخباریون و عدم توجه به مصالح عمومی مسلمین انگاشتند.

این منتقدان دیگر هیچ توجه نداشتند که اولاً، مصنف *مجدد البیان* برای اثبات هر یک از دعاوی مربوطه، دلایل عقلی و مستندات نقلی ارائه نموده است و ثانیاً او در مقام ارائه هر یک از این نظرات، همراهان متعددی از میان فقیهان و اصولیون دارد، چه رسد به اخباریون و برخی اصحاب حکمت و عرفان.

آری، این بی‌مهری‌ها سبب شد که چاپ مجدد این تفسیر در عین نایاب بودن آن در بازار کتاب، سال‌های متمادی به تأخیر بی‌افتد، ظاهراً بنیاد بعثت دیگر اجازه طبع مجدد آن را نمی‌یابد. نیز از میان مترجمان آشنا به علوم عقلی، کسی به ترجمه آن رغبتی نشان نمی‌دهد. دست آخر نیز در سال ۱۳۹۱ شمسی، ترجمه‌ای گزینشی و مثله شده از *مجدد البیان*، توسط انتشارات دارالتفسیر روانه بازار کتاب می‌شود.

حاصل این رفتارهای غیرعلمی و نامعقول، سبب بی‌اطلاعی بسیاری از استادان و پژوهشگران مباحث دینی از وجود چنین تفسیری شده است؛ حال آنکه می‌بایست با چاپ‌های متعدد، ترجمه کامل و تدریس آن در حوزه و دانشگاه، سیر تفسیری خاص صاحب *مجدد البیان* توسط برخی جویندگان معرفت و افراد محقق ادامه می‌یافت و امروزه در کنار

بسیاری از مکتوبات قرآنی ضعیف و متوسط معاصرین، شاهد تفسیری شعف‌انگیز نیز می‌بودیم. اگر هم دیده می‌شود که خیلی از اهل علم و اصحاب مطالعه، از این تفسیر، مطلع و بدان مراجعاتی داشته‌اند، به دلیل احیای آن توسط بنیاد بعثت در سال ۱۳۶۶ شمسی و دفاعیات خیلی از اهل معرفت و محققان حوزوی از محتوای این اثر قرآنی بوده است.^۱

خوشبختانه هم‌زمان با ورود ترجمه گزینشی *مجد البیان* به بازار کتاب و پس از گذشت ۲۵ سال از چاپ سوم آن توسط بنیاد بعثت، ظاهراً چاپ چهارم این تفسیر توسط انتشارات شمس الضحی الثقافیه در سال ۱۳۹۱ شمسی با کیفیتی مطلوب منتشر گردید.^۲ سرانجام فایل پی‌دی‌اف تفسیر *مجد البیان* (مطابق با چاپ بنیاد بعثت) در نسخه نهایی نرم‌افزار جامع التفاسیر نور، کتابخانه دیجیتال مرکز علوم اسلامی (Noormags.ir) و نیز کتابخانه دیجیتال (بازار کتاب) قائمیه (Ghbook.ir) بارگزاری گردید. همچنین استاد شیخ هادی نجفی (نیره صاحب *مجد البیان*) در سایت شخصی خویش (Alnajafi.ir)، علاوه بر متن اصلی *مجد البیان* به زبان عربی، ترجمه گزینشی و مخدوش آن را نیز قرار داده است.

۴-۱. عملکرد نامتعارف مترجم *مجد البیان* در حذف برخی مطالب

مترجم فارسی‌زبان این اثر، آقای سید مهدی حائری قزوینی، مترجم *الاتقان فی علوم القرآن* سیوطی و نیز مترجم آثار معروفی درباره امام عصر (عج) نظیر *مکیال المکارم* است. ظاهراً نسخه مورد استفاده آقای حائری، همان چاپ مصحح بنیاد بعثت بوده که مقدمه حاج آقا نور الله نجفی نیز تحت عنوان «ترجمه المؤلف» در ابتدای آن آمده است. البته مترجم محترم، دو متن دیگر نیز در شرح حال علامه محمدحسین اصفهانی به ابتدای ترجمه این اثر افزوده است تا قدر و منزلت علمی و سلوکی مصنف *مجد البیان* را، بیش از پیش به خوانندگان این تفسیر بشناساند. او خود نیز مقدمه مبسوطی با تکیه بر آثار و کلمات نزدیکان مصنف، در ابتدای

۱. فی‌المثل راقم این سطور اواسط دهه ۷۰ شمسی از طریق مرحوم استاد، حاج شیخ جواد کربلانی با این تفسیر آشنا شد و تمهیدات و بخش‌های ابتدایی تفسیر *سوره حمد مجد البیان* را نزد آن بزرگوار تلمذ نمود.

۲. متأسفانه نگارنده چاپ یادشده را در اختیار ندارد تا تفاوت‌های احتمالی آن با چاپ بنیاد بعثت را گزارش نماید.

کتاب بیان داشته و پس از ترجمه مقدمه حاج آقا نور الله، مقدمه مختصرتری از حفید مصنف (شیخ مجدالدین نجفی) را نیز ترجمه نموده است.

با لحاظ مقدمه‌های متعددی که آقای حائری قزوینی به ابتدای ترجمه مجد البیان افزوده است، انتظار داریم که حجم کمی ترجمه فارسی از متن عربی کتاب بیشتر شده باشد؛ اما در عین حال حجم متن عربی کتاب بیشتر از حجم متن ترجمه فارسی آن به نظر می‌آید. این ملاحظه اولیه، حاکی از عدم تطابق کمی این دو متن است، بدین معنا که مطالب قابل توجهی از متن عربی، در مقام ترجمه کتاب به فارسی حذف شده‌اند. با اندکی دقت شاهدیم که بر روی جلد کتاب عبارت «گزینش و ترجمه» درج گردیده، ولی در متن کتاب و به ویژه مقدمه مترجم، توضیح روشنی درباره گزینش مطالب یا محذوفات ارائه نشده است. مترجم تنها در پاراگراف مقابل آخر مقدمه خود آورده است:

گفتنی است که متن کتاب، بسیار سنگین و عبارت‌های مؤلف، سخت و دشوار است، لذا وقت زیادی صرف این کار نمودم تا این که ترجمه‌ای ساده و روشن ارائه دهم و در برخی موارد، مطالب را تلخیص و دست‌چین کردم (حائری قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۲).

آری، جمله پایانی متن یادشده، تنها توضیح مترجم برای مخاطبان خویش درباره حذف برخی مطالب است؛ در بیان مترجم، به کمیت، موارد و دلیل حذف مطالب؛ هیچ اشاره‌ای نشده است. اینک باید دید که کمیت و محتوای مطالب محذوف در ترجمه این تفسیر شریف چه بوده است؟ آیا در پی این بررسی می‌توان دلیل یا دلایل حذف آنها را حدس زد؟!

۴-۱-۱. کلیات مطالب محذوف در ترجمه مجد البیان

راقم این سطور در ابتدا با عنایت به فهرست مطالب دو کتاب دریافت که ۹۰٪ مطالب تمهید هفتم (مبسوط‌ترین تمهید این تفسیر) حذف شده و فقط چند صفحه‌ای از ابتدای این تمهید - آن هم با حذفیاتی در خلال مطالب - ترجمه گردیده است؛ لیکن با تأمل بیشتر و مطابقت متن عربی با ترجمه آقای حائری معلوم شد که بیشتر مطالب و تحلیل‌های اختصاصی محمدحسین نجفی اصفهانی که غالباً از نکات برجسته و ممتاز تفسیر وی محسوب می‌شود،

در ترجمه کتاب، بدون ذکر هیچ توضیحی در متن یا پاورقی، حذف شده‌اند؛ حتی مترجم از قرار دادن نقطه‌چین به جای عبارات محذوف امتناع ورزیده و ترجمه‌ای گزینشی از تصنیفی محققانه به مخاطبان ارائه کرده است.

بنابر تتبع این قلم، اکثر حذفیات از خلال تمهیدات دوازده گانه این تفسیر انجام پذیرفته است که گزارش اجمالی آن در ذیل خواهد آمد. در هر مورد، ابتدای نشانی دقیق مطلب محذوف در متن عربی (مطابق با چاپ بنیاد بعثت) بیان می‌شود و در انتها، صفحه ناظر به ترجمه فارسی که مطلب مورد نظر می‌بایست در آنجا مطرح می‌شد.

محذوفات تمهید اول

- عربی: کلّ پاراگراف دوم ص ۱۵، اشاره‌ای کوتاه به موجودیت نور و ظلمت؛ محذوف در ص ۵۳ فارسی

- عربی: پاراگراف سوم ص ۲۰، از سطر اول (و یصحّ أن یلاحظ ...) تا اواسط سطر پنجم (... فالتکتاب اکبر منه)، بیانی ناظر به اندراج جمیع مراتب قرآن در حقیقت امام (ع)؛ محذوف در ص ۵۸ فارسی

محذوفات تمهید دوم

- عربی: پاراگراف سوم ص ۵۲، از سطر سوم (من دون تعدی ...) تا پایان پاراگراف اول از ص ۵۳، مطلبی درباره مدلول آیات قرآنی و اقسام بهره‌گیری از آن؛ محذوف در ص ۸۵ فارسی^۱

۱. البته ترجمه یک سطر از اواخر پاراگراف آخر ص ۵۲ در ادامه مطلب آمده است: «برای شناخت معانی قرآن، آشنایی با علوم دیگری لازم است که پیوستن آنها به یکدیگر مایه دست‌یابی به علوم فراوان دیگر و آشکار شدن مطالب ناشناخته بسیار است»؛ نک: ص ۸۵ فارسی، پاراگراف سوم.

- عربی: پاراگراف دوم ص ۵۵، از سطر سوم (و يعلم أنّ ما نقلناه ...) تا سطر چهارم (... منها بالمدعی)، ارجاع به مطالب گذشته درباره حجّیت ظاهر قرآن؛ محذوف در ص ۸۷ فارسی^۱

- عربی: پاراگراف سوم ص ۵۵، از انتهای سطر سوم (إذا تدبّرتها ...) تا پایان پاراگراف، اشاره‌ای به اهمّیت و آثار تدبّر در قرآن؛ محذوف در ص ۸۷ فارسی

- عربی: پاراگراف دوم ص ۵۶، بیان قسم دیگری از فهم آیات قرآنی؛ محذوف در ص ۸۸

فارسی

محذوفات تمهید سوم

- عربی: پاراگراف دوم ص ۶۱، عباراتی پیرامون جمع‌بندی مطالب تمهید سوم؛ محذوف

در ص ۹۰ فارسی

محذوفات تمهید چهارم

- عربی: ص ۶۷، از سطر سوم (كقول ابن مالک ...) تا سطر سیزدهم (... فی عروضة)، بحث

دقیق فلسفی و منطقی درباره محمولات خارج از ذات موضوع؛ محذوف در ص ۹۴ فارسی.

- عربی: کلّ پاراگراف دوم ص ۶۸، بحث فلسفی و منطقی مهمّی درباره مرادات کلیّ در

خطاب‌های خاص؛ محذوف در ص ۹۴ فارسی.

- عربی: از سطر ششم ص ۶۹ (و كما أنّ لزيد ...) تا پایان پاراگراف اوّل ص ۷۱، مباحث

دقیق علمی درباره کلیات و جزئیات؛ محذوف در ص ۹۵ فارسی.

- عربی: از تیتراژ «فی جواز الاستعمال ...» در ص ۷۴ تا پایان ص ۷۹، شامل مباحث دقیق

منطقی و اصولی و عرفانی؛ محذوف در ص ۹۸ فارسی.

محذوفات تمهید پنجم

۱. لازم به یاد است که این دو سطر شامل مطلب علمی نبوده، بلکه حاوی ارجاعات مصنف مجدّالبيان، به مطالب پیشین

- عربی: ص ۹۳، پاراگراف آخر، از اواسط سطر چهارم (من حیث هو کل ...) تا پایان پاراگراف اول ص ۹۴، توضیحاتی در تبیین نسبت میان نبوت و ولایت مقیده با نبوت و ولایت مطلقه؛ محذوف در ص ۱۰۹ فارسی.

- عربی: ص ۹۸، اواخر سطر ماقبل آخر پاراگراف اول (و من ذلک ...) تا پایان همان پاراگراف، دعوت به تأمل در برخی مطالب گذشته؛ محذوف در ص ۱۱۲ فارسی.

محذوفات تمهید ششم

- عربی: از ابتدای پاراگراف دوم ص ۱۰۲ تا پایان پاراگراف دوم ص ۱۰۳، شامل مطالب دقیقی درباره توحید افعالی؛ محذوف در ص ۱۱۴ فارسی.

محذوفات تمهید هفتم

- عربی: از ابتدای ص ۱۰۶ تا پایان پاراگراف دوم ص ۱۰۹، شامل سه حدیث کوتاه و یک حدیث طولانی مبتنی بر تحریف قرآن؛ محذوف در ص ۱۱۶ فارسی.

- عربی: از دو سطر آخر ص ۱۱۰ تا پایان ص ۱۳۸ (پایان تمهید هفتم)، بیش از ۲۸ صفحه مطالب تحقیقی مشتمل بر آیات، روایات، بحثی پیرامون اختلاف عالمان امامیه درباره تحریف قرآن، معنای تحریف و نقصان و زیادت در قرآن، نقد دلایل نافین تحریف، کیفیت و زمان جمع آوری قرآن، اختلاف قرائات و قول به تحریف قرآن به نحو فی الجمله؛ محذوف در ص ۱۱۷ فارسی.

از آنجا که میزان حذفیات در ترجمه فارسی، از تمهید هشتم به بعد - خصوصاً پس از اتمام مقدمات و ورود به تفسیر آیات - کاهش یافته است و مطالب محذوف نیز حساسیت علمی کمتری دارند؛ به همین مقدار از گزارش حذفیات بسنده می‌شود.

۴-۱-۲. گمانه‌زنی پیرامون حذف برخی مطالب در ترجمه مجد البیان

اجمالاً دانستید که با وجود آن همه تعریف و تمجید از محمدحسین نجفی اصفهانی در قالب مقدمه‌های گونه‌گون در ابتدای ترجمه مجد البیان، برخی مطالب عمیق و تحقیقات علمی موجود در متن کتاب، بدون هیچ توضیحی در مقام ترجمه حذف شده است. با عنایت به نوع

مواجهه معاصران با این تفسیر و محتوای مطالب محذوف، دلایلی پیرامون این اتفاق نامیمون حدس زده می شود:

- سلیقه خاص مترجم در نامفید انگاشتن ترجمه بعضی از مباحث علمی یا مطالب جانبی
- حذف بعضی از مطالب خاص به پیشنهاد برخی عالمان از جمله نبیره مصنف مجد البیان
- حذف برخی مطالب علمی مغایر به درخواست ناشر یا داوران ممیزی کتاب در وزارت ارشاد

- حذف یا تعدیل برخی مباحث علمی با هدف قابل استفاده شدن تفسیر برای عموم علاقمندان به آثار قرآنی

البته هیچ استبعادی وجود ندارد که دو یا چند مورد از عوامل یادشده در کنار یکدیگر، سبب خلق ترجمه ای گزینشی از تفسیر پژوهشی مجد البیان شده باشد؛ چه تنوع محتوای مطالب محذوف به گونه ای است که برای هر یک از حدس های یادشده، مواردی متناسب در میان آنها ملاحظه می شود.

۵. نتیجه گیری

مجد البیان فی تفسیر القرآن اثری تک جلدی به زبان عربی است که به دلیل فوت زودهنگام مصنف آن، علامه محمد حسین نجفی اصفهانی ناتمام مانده است. این تفسیر، حاصل پژوهشی روشمند همراه با مبانی متقن در دوران سلوک معنوی و تأله ربانی مصنف آن است ولی برخی تنگ نظری ها و جهالت ها نسبت به آموزه های خاص امامیه سبب شد که با وجود سپاس برخی اهل معرفت، گروهی در صدد تخریب این تفسیر و بی اعتباری آن بکوشند، از این رو در محافل حوزوی و دانشگاهی ما مغفول مانده است؛ حال آنکه مطالعه و تدریس این کتاب و تأمل در روش تفسیری مصنف محقق آن، می تواند مسیری پویا و منتج به معارف دست اول امامیه را به ارمغان آورد.

اما ترجمه فارسی این تفسیر پژوهشی به دلیل برخی گزینش ها و حذفیات متعدد، میزان تأثیر پذیری و اهمیت آن نزد خواننده اندیشه مند را زائل می کند؛ به گونه ای که مخاطب این ترجمه بدون اطلاع از محتوای عربی مجد البیان، آن را تفسیری اندک فراتر از متوسط خواهد

پنداشت که تنها حاوی برخی نکات علمی نوین است. صرف مطالعه ترجمه فارسی، چه بسا برخی خوانندگان را نسبت به تمجیدهای عالمان از مفسر والا مقام دچار شک و تردید نماید. از آنجا که مترجم فارسی زبان این اثر، هیچ توضیحی درباره انگیزه خویش از حذف مطالب و موارد آن بیان نداشته، وجوه متعددی همچون سلايق اعتقادی خاص، توصیه‌های دیگران یا اجبار از سوی ناشر و وزارت ارشاد؛ پیرامون این رفتار غیر علمی احتمال داده می‌شود. امید می‌رود که با در دسترس قرار گرفتن متن اصلی تفسیر مزبور و اهتمام اهل علم بدان، جایگاه اصلی این تفسیر در محافل حوزوی و دانشگاهی نمایان شود. نیز مترجمی آزادمنش و امانت‌دار، عهده‌دار ترجمه بی‌کم و کاست این تفسیر پژوهشی و شفاف‌انگیز به علاقمندان آثار قرآنی گردد.

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (بی‌تا)، کفایة الاصول، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد (۱۴۱۹ق)، فرائد الاصول، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
۳. ابن شاذان، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، منه منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، قم، مدرسة الامام المهدي.
۴. احقاقی، عبدالرسول (۱۳۷۳)، تفسیر الثقلین، تهران، پروا.
۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، البرهان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمد مهدی آصفی، تهران، بنیاد بعث.
۶. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار استاد شیخ هادی نجفی اصفهانی: www.alnajafi.ir
۷. حائری قزوینی، سید مهدی (۱۳۹۱)، «مقدمه مترجم» مندرج در مجلد البیان در تفسیر قرآن، قم، دار التفسیر.
۸. سایت کتابخانه دیجیتال (بازار کتاب) «قائمیه» وابسته به حوزه علمیه اصفهان: www.noormags.ir
۹. سایت کتابخانه دیجیتال «نورمگز» وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: www.ghbook.ir
۱۰. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، تحقیق از سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)، تحقیق از سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.
۱۲. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر.

۱۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، تحقیق از طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب.
۱۴. کربلانی، جواد بن عباس (۱۳۷۷)، الأنوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعة، مراجعات از محسن اسدی، قم، دار الحديث.
۱۵. مجدالدین نجفی اصفهانی، (۱۳۸۷)، «رسالة فی ترجمة العلامة الشيخ محمدحسین»، به تصحیح مجید هادی زاده، مندرج در میراث حوزه اصفهان، مجلد پنجم، به اهتمام محمدجواد نورمحمدی، قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا.
۱۶. محمدحسین نجفی اصفهانی، ابن محمد باقر (۱۳۹۱)، مجد البیان در تفسیر قرآن، گزینش و ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، قم، دار التفسیر.
۱۷. محمدحسین نجفی اصفهانی، ابن محمد باقر (۱۴۰۸ق)، مجد البیان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
۱۸. نور الله نجفی اصفهانی، ابن محمدباقر (۱۳۶۷)، «در احوالات آیت الله حاج شیخ محمدحسین نجفی اصفهانی صاحب مجد البیان فی تفسیر القرآن»، ترجمه ی هادی نجفی، مندرج در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، مجلد دوم، قم، الهدایة.
۱۹. نور الله نجفی اصفهانی، ابن محمدباقر (۱۴۰۸ق)، «ترجمة المؤلف»، مندرج در مجد البیان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۲۰. هادی نجفی (۱۳۸۱)، قبيلة عالمان دین، قم، عسکریه.
۲۱. هدایت افرا، محمود (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی کتاب همتایی قرآن و اهل بیت»، تهران، خانه کتاب، ماهنامه کتاب ماه دین، شماره ۱۶۳، ماه اردیبهشت.